

نقش میانجی کنترل شناختی و جهت‌گیری هدف در رابطه بین هوش معنوی و وجدانی بودن با تجربه غرقگی

The mediating role of cognitive control and goal orientation in the relationship between spiritual intelligence and conscientiousness with flow

Mohsen Karimzandi

Ph.D. student of Educational Psychology, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran.

Hassan Asadzadeh *

Professor, Department of Educational Psychology, Faculty of Psychology and Educational Sciences, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran.

Asadzadeh@atu.ac.ir

Esmail Sadipour

Professor, Department of Educational Psychology, Faculty of Psychology and Educational Sciences, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran.

Fariborz Dortaj

Professor, Department of Educational Psychology, Faculty of Psychology and Educational Sciences, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran.

محسن کریم زندی

دانشجوی دکتری روان‌شناسی تربیتی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.

حسن اسدزاده (نویسنده مسئول)

استاد، گروه روان‌شناسی تربیتی، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.

اسماعیل سعدی پور

استاد، گروه روان‌شناسی تربیتی، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.

فریبرز درتاج

استاد، گروه روان‌شناسی تربیتی، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.

Abstract

The present study investigated the mediating role of cognitive control and goal orientation relationship between spiritual intelligence and conscientiousness with flow experience. The research method was descriptive-correlation based on structural equation modeling. The statistical population included Farhangian University of Guilan students in 2022-2023. Some 450 students were selected using the convenience sampling method. The research tools include goal orientation (AGQ) (1999), conscientiousness subscale from Neo's five-factor (PI-R) (1992), flow experience (1996), spiritual intelligence (2017) cognitive control (CCFQ) (2018). Structural equation analysis was used to analyze the data. The results showed the optimal fit of the research model. The result showed that spiritual intelligence and conscientiousness have a significant direct effect on flow ($P < 0/01$), Spiritual intelligence and conscientiousness do not have an indirect impact on the flow through goal orientation ($P > 0.05$). These results show that cognitive control can explain the flow due to the role of spiritual intelligence and conscientiousness.

Keywords: Cognitive Control, Flow Experience, Goal Orientation, Spiritual Intelligence, Conscientiousness.

چکیده

هدف پژوهش حاضر بررسی نقش میانجی کنترل شناختی و جهت‌گیری هدف در رابطه بین هوش معنوی و وجدانی بودن با تجربه غرقگی بود. روش پژوهش توصیفی-همبستگی به روش مدل‌یابی معادلات ساختاری بود. جامعه آماری پژوهش، دانشجویان دانشگاه فرهنگیان گیلان در سال تحصیلی ۱۴۰۲-۱۴۰۱ بودند. تعداد ۴۵۰ نفر به روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند. ابزار پژوهش شامل پرسشنامه تجربه غرقگی (۱۹۹۶)، کنترل شناختی (CCFQ، ۲۰۱۸)، هدف پیشرفت (AGQ، ۱۹۹۹)، هوش معنوی (۱۳۹۵)، و خرده‌مقیاس وجدانی بودن از پرسشنامه پنج‌عاملی نئو (PI-R، ۱۹۹۲) بود. برای تحلیل داده‌ها از تحلیل معادلات ساختاری استفاده شد. یافته‌ها بیانگر برآزش مطلوب مدل پژوهش بود. تجزیه و تحلیل داده‌ها نشان داد که هوش معنوی و وجدانی بودن اثر مستقیم بر غرقگی دارند ($P < 0/01$). هوش معنوی و وجدانی بودن به واسطه کنترل شناختی اثر غیرمستقیم بر غرقگی دارند ($P < 0/01$). هوش معنوی و وجدانی بودن به واسطه جهت‌گیری هدف اثر غیرمستقیم بر غرقگی ندارند ($P > 0/05$). نتایج نشان داد که کنترل شناختی با توجه به نقش هوش معنوی و وجدانی بودن می‌تواند تبیین‌کننده غرقگی باشد.

واژه‌های کلیدی: کنترل شناختی، تجربه غرقگی، جهت‌گیری هدف، هوش معنوی و وجدانی بودن.

مقدمه

انسان‌ها به‌طور فطری در جستجوی شادی و تجربه حالات خوشایند هستند. شادی یکی از هیجانات اساسی انسانی بوده است و هزاران سال است که در جستجوی راه‌های رسیدن به آن تلاش می‌کند. یکی از بهترین راه‌ها برای دستیابی به شادی و رضایت تجربه غرقگی^۱ است (چیک سنت میهای^۲، ۱۴۰۱). غرقگی حالت بهینه‌ای از آگاهی است که در آن فرد احساس می‌کند، بهترین و کارآمدترین است و در بالاترین سطح خود عمل می‌کند (بوکوا^۳ و همکاران، ۲۰۲۴). و توسط هر وضعیتی که مستلزم مهارت است تولید می‌شود. پدیدارشناسی آن نیز نشان می‌دهد که لذت بردن از یک تکلیف و انجام دادن آن، می‌تواند به دلیل کشفی باشد که در تعامل بین مهارت و چالش انجام دادن آن وجود دارد و در همه‌چیز از معاملات تجاری، ورزش، بازی ویدیویی، موسیقی، هنر، یوگا و آموزش ثبت‌شده است (گولد و چورچیری^۴، ۲۰۲۰). و زمانی رخ می‌دهد که تمرکز شدید، علاقه، لذت در یک فعالیت به‌طور هم‌زمان تجربه شوند. این حالت با حس مشوق درونی، کنترل بالا، خودآگاهی در سطح پایین و لذت بردن همراه است (وان^۵ و همکاران، ۲۰۲۱؛ به نقل از آدمیرال^۶، ۲۰۱۱). برای اینکه یک فعالیت، فرد را به حالت غرقگی سوق دهد، باید تعادلی بین سطح چالش و توانایی لازم برای فرد برای تکمیل فعالیت ایجاد کند. اگر سختی یک چالش بیشتر از سطح مهارت فرد باشد، مضطرب می‌شود. در مقابل، اگر دشواری چالش کمتر از توانایی فرد باشد، به یک فعالیت خسته‌کننده تمایل دارد (اولیویرا^۷ و همکاران، ۲۰۲۴). به همین دلیل معمولاً توسط افرادی تجربه می‌شود که در فعالیتی که انجام می‌دهند کاملاً ماهر هستند (ابوحده^۸، ۲۰۲۰). غرقگی معمولاً با افزایش بازدهی در یادگیری و رفتار، خلاقیت، حس شوخ‌طبعی همراه است. مطالعات در حوزه‌های مختلف نشان داده است که افراد در فعالیت‌هایی که غرقگی را تجربه می‌کنند، بهبود عملکرد بالایی را نشان می‌دهند. (تسی و همکاران، ۲۰۲۲). به‌طوری‌که یک مطالعه طولی ۱۰ ساله نشان داد افراد در حالت غرقگی ۵۰ درصد بازدهی بیشتری دارند (گولد و چورچیری، ۲۰۲۰). باین‌حال به‌ندرت در زندگی روزمره رخ می‌دهد، زیرا در محیط مدرن امروزی چالش‌ها و مهارت‌ها به‌ندرت متعادل می‌شوند و همچنین عوامل حواس‌پرتی زیادی وجود دارد که منجر به کاهش بهره‌وری افراد می‌شود. هنوز مشخص نیست که چگونه برخی از افراد قادر به رسیدن به این وضعیت هستند. بنابراین رسیدن به غرقگی مستلزم وجود ویژگی‌های خاصی در افراد هست که می‌تواند به آن‌ها در کسب این لذت و رضایت کمک شایانی نماید.

افرادی که دارای ویژگی‌های شخصیتی خاص هستند ممکن است نسبت به دیگران با احتمال بیشتری به دنبال رشد و توسعه شخصی خود باشند. در بین ویژگی‌های شخصیت‌شناسی، وجدانی بودن^۹ پیوند محکمی با ابعاد غرقگی دارد. نتایج پژوهش‌هایی مانند کندی^{۱۰} (۲۰۱۹) و آنالاکشمی^{۱۱} (۲۰۲۰) حاکی از رابطه مثبت وجدانی بودن، گشودگی و برون‌گرایی و رابطه منفی روان رنجوری با غرقگی دارند. وجدانی بودن با الگوهای رفتار هدفمند برنامه‌ریزی‌شده و سازمان‌یافته، توانایی کنترل خود و مشارکت بیشتر در وظایف مشخص می‌شود (هونمن^{۱۲} و همکاران، ۲۰۲۲). کسانی که وظیفه‌شناسی بالایی دارند ممکن است کاری را انتخاب کنند که چالش‌برانگیز است و در جهت بهینه‌سازی توانایی‌های خود برای رسیدن به آن تلاش کنند؛ بنابراین، وظیفه‌شناسی می‌تواند به غرقگی کمک کند (دمروتی^{۱۳}، ۲۰۰۶). بررسی ادبیات تحقیقاتی غرقگی گویای آن است که به رابطه بین معنویت و تجربه غرقگی نیز توجه شده است (صالحی و همکاران، ۱۳۹۲). معنویت موضوعی گسترده با تعاریف متعدد است. با این حال، همیشه به «دنیای درون» و «تجربه درونی» نوع بشر، و مجموعه‌ای از باورها مربوط می‌شود که تفسیر فرد از معنا و هدف زندگی خود، زندگی دیگران، و ارتباط با چیزهای بزرگتر را هدایت می‌کند (سرجنت و یوکسال^{۱۴}، ۲۰۲۳). معنویت از طریق دانش شخصی که افراد در پی تجربه‌ها و کسب مهارت‌ها به دست می‌آورند و از طریق هوش

1. flow experience
2. Csikszentmihalyi
3. Bočková
4. Gold & Ciorciari
5. Wan
6. Admiraal
7. Oliveira
8. Abuhamedh
9. conscientiousness
10. Kennedy
11. Annalakshmi
12. Hohnemann
13. Demerouti
14. Sargeant & Yoxall

معنوی بر تصمیمات اثر گذار است. داکا و ریڈز^۱ (۲۰۲۳) اشاره می‌کنند که هوش معنوی؛ توانایی تسلط بر مجموعه‌ای از مفاهیم پراکنده و انتزاعی و همچنین تسلط بر مهارت تغییر آگاهی خود برای رسیدن به یک وضعیت خاص از وجود در عالم هستی است. پیرس و ویلیامز^۲ (۲۰۲۱)، اجزای اصلی هوش معنوی را ظرفیت تعالی سازی؛ توانایی نظم بخشیدن به فعالیت‌ها، و ارتباطات با حس معنوی؛ استفاده از ارزش‌ها، اعتقادات و ابزارهای روحانی برای حل مشکلات زندگی روزمره و توانایی مشارکت در رفتار با فضیلت (نشان دادن بخشش، ابزار قدردانی، تواضع، نمایش و عشق ایثار گونه) ذکر کرده اند. تا با استفاده از ارزش‌ها، باورها و ابزارهای روحانی به حل مشکلات زندگی روزمره پردازیم (پیرس و ویلیامز، ۲۰۲۱). زوهر^۳ (۱۹۹۷) نیز بیان می‌کند که هوش معنوی، هوشی است که ما را کامل می‌کند، به ما یکپارچگی می‌بخشد (به نقل از پندی^۴، ۲۰۲۳). این همان چیزی است که در تجربه غرقگی نیز اتفاق می‌افتد. در این تجربه سازمان خود افراد پیچیده‌تر از قبل شده و به یکپارچه‌سازی خود افراد کمک می‌کند، زیرا در این حالت تمرکز عمیق هوشیاری به‌طور غیرمعمولی منظم و سازمان‌یافته می‌شود. درعین حال افکار، قصدها، محسوسات و همه حواس بر هدفی یکسان تمرکز می‌کنند (چیک سنت میهای، ۱۴۰۱). این ویژگی‌ها با تعاریف هوش معنوی^۵ نیز مشابهت‌های زیادی دارند. پژوهش‌های اندکی در مورد ارتباط هوش معنوی با تجربه غرقگی انجام‌شده است باین‌حال نتایج این پژوهش‌ها حاکی از رابطه معنادار مثبت بین هوش معنوی و تجربه غرقگی بود. المطیری^۶ (۲۰۲۲) در پژوهش خود در پی شناسایی رابطه بین هوش معنوی و ابعاد فرعی آن و غرقگی بود. نتایج پژوهش او حاکی از وجود رابطه مثبت معنادار بین هوش معنوی و غرقگی و تفاوت معنادار در بین زنان و مردان در مقیاس غرقگی بود. همچنین در ایران نیز نتایج پژوهش عبدالرضا پور (۱۴۰۰) نشان داد که بین هوش معنوی زبان آموزان انگلیسی و غرقگی درک شده در کلاس‌های آنلاین رابطه مثبت وجود دارد.

سیملسا^۷ و همکاران (۲۰۱۸) اعتقاد دارند که علاوه بر عوامل زمینه‌ای مطلوب که در ایجاد تجربه غرقگی اثرگذار هستند عملکردهای شناختی خاص مانند فرایندهای توجه و انگیزش در این فرایند نقش میانجی و تعدیل‌کنندگی دارند. همان‌طور که می‌های نیز بیان کرده است، هرکسی که غرقگی را تجربه کرده است می‌داند که لذت عمیق حاصل از آن به میزان زیادی از تمرکز نیاز دارد. پژوهش‌های اخیر نیز نشان داده‌اند که انجام یک تکلیف دشوار به کنترل شناختی^۸ بستگی دارد (ایگنر^۹، ۲۰۲۳). کنترل شناختی مجموعه‌ای از مکانیسم‌هایی است که به ما کمک می‌کند در شرایط پیچیده یا متضاد به شیوه‌ای هدفمند رفتار کنیم (بوگنار^{۱۰}، ۲۰۲۴)؛ و در بازیابی اطلاعات انتخابی، نگهداری اطلاعات مربوط به تکلیف، نظارت بر محتویات حافظه کاری نقش کلیدی دارد (شپرد^{۱۱}، ۲۰۲۳). درعین حال کنترل شناختی به‌عنوان یک متغیر میانجی تأثیر چشمگیری در تسهیل رفتارهای هدفمند و تنظیم هیجانات دارد (گبریز^{۱۲} و همکاران، ۲۰۱۸). به همین دلیل هراندازه افراد بیشتر باور کنند که غرقگی به عملکرد آن‌ها سود می‌رساند، منابع شناختی خود را بر پیگیری آن بیشتر متمرکز می‌کنند و علی‌رغم شکست‌های اولیه، برای ورود به آن، تمرکز خود را حفظ خواهند کرد (وینتروب^{۱۳}، ۲۰۲۳). نتایج پژوهش‌های وینتروب و همکاران (۲۰۲۳)، مارتی دوگاس و اسمیت^{۱۴} (۲۰۱۹) نیز حاکی از تأثیر مثبت کنترل شناختی و غرقگی بود.

یکی از عواملی که به افراد کمک می‌کند تا زمان و انرژی خود را بر روی کارهای مهم سرمایه‌گذاری کنند جهت‌گیری هدف^{۱۵} است. تجربه غرقگی و اهداف پیشرفت اجزای مهمی از ادبیات انگیزش هستند. جهت‌گیری هدف بر رفتار تأثیرگذار بوده و روشی است که بر پایه آن افراد معنای فعالیت را می‌سازند و بر کیفیت درگیری آن‌ها تأثیر می‌گذارد (خنیفر و همکاران، ۱۴۰۲). اهداف پیشرفت، به دو ساختار، اهداف تسلطی و عملکردی تقسیم‌شده‌اند. اهداف تسلطی، گرایش به گسترش شایستگی از طریق تسلط بر تکلیف اشاره دارد، درحالی‌که اهداف عملکردی، گرایش به نشان دادن شایستگی نسبت به دیگران اشاره دارد (بوتر^{۱۶} و همکاران، ۲۰۲۴). برای رسیدن به تجربه غرقگی داشتن اهداف روشن منجر به جهت‌دار شدن اقدامات افراد می‌شود و دریافت بازخورد واضح از کار نشان می‌دهد که آیا آن اهداف در حال

1. Dacka & Rydz
 2. Pearce & Williams
 3. Zohar
 4. Pandey
 5. spiritual intelligence
 6. El Metiri
 7. Šimleša
 8. cognitive control
 9. Egner
 10. Bognar
 11. Shepherd
 12. Gabrys
 13. Weintraub
 14. Marty-Dugas, & Smilek
 15. Goal orientation
 16. Butera

نقش میانجی کنترل شناختی و جهت‌گیری هدف در رابطه بین هوش معنوی و وجدانی بودن با تجربه غرقگی
The mediating role of cognitive control and goal orientation in the relationship between spiritual intelligence and ...

دستیابی هستند یا خیر. تجربه غرقگی و اهداف پیشرفت اجزای مهمی از ادبیات انگیزش هستند، زیرا هر دو برای توضیح اینکه چرا و چگونه مردم زمان و انرژی را روی کارها سرمایه‌گذاری می‌کنند مفید هستند. پژوهش‌های مختلف در ارتباط بین تجربه غرقگی و جهت‌گیری هدف بعضاً متناقض بوده است به طوری که ساهان و آپیای^۱ (۲۰۲۱) رابطه مثبت و معنی‌داری بین جهت‌گیری تسلط‌گرایشی با غرقگی و عدم رابطه جهت‌گیری عملکرد گرایشی با غرقگی را پیدا کردند. در صورتی که نتایج پژوهش‌های جکسون^۲ و همکاران (۱۹۹۸) حاکی از عدم رابطه بین جهت‌گیری هدف و تجربه غرقگی بود.

بررسی غرقگی دانشجویان از چندین جنبه حائز اهمیت است. اولاً به نظر می‌رسد که غرقگی برای رفاه انسان‌ها مهم است؛ و کمک به بهبود زندگی انسان لازمه درک علمی آن است. غرقگی همچنین منجر به رشد و توسعه انسان شده و یک فرد می‌تواند این تجربه را در سطوح مختلفی از عملکرد خود درک کند. در عین حال پدیده‌ای با عملکرد بالا است که به خودی خود باید یک عملکرد خوب را تشویق کند. افرادی که غرقگی را تجربه می‌کنند، انگیزه بیشتری برای انجام فعالیت‌های بیشتر احساس می‌کنند و برای اینکه دوباره آن را تجربه کنند وظایف چالش‌برانگیزتری را برای خود تعیین می‌کنند که منجر به بهبود کیفیت زندگی می‌شود؛ و اگر چالش‌های یک تکلیف به طور قابل توجهی برتر از مهارت‌های او باشد، فرد نمی‌تواند توجه خود را به روشی مؤثر سرمایه‌گذاری کند در نتیجه دچار نشخوار فکری و احساس اضطراب می‌شود. ثانیاً تحقیقات مختلف غرقگی را بیشتر در چارچوب مطالعات همبستگی با داده‌های کاملاً محدود در نظر گرفته بودند. اما مدل پیشنهادی این پژوهش تلاش داشت تا ضمن بررسی تأثیر ویژگی‌های شخصیتی و تفاوت‌های فردی به دنبال مرتبط کردن آن‌ها با کارکردهای اصلی شناختی انسان یعنی توجه و انگیزش بود که نشان دهد این دو فرایند در زمینه غرقگی چگونه عمل می‌کنند؛ لذا هدف پژوهش حاضر بررسی نقش میانجی کنترل شناختی و جهت‌گیری هدف در رابطه هوش معنوی و وجدانی بودن

روش

پژوهش حاضر توصیفی-همبستگی به روش تحلیل معادلات ساختاری بود. جامعه آماری شامل کلیه دانشجویان مقطع کارشناسی دانشگاه فرهنگیان گیلان در سال تحصیلی ۱۴۰۲-۱۴۰۱، به تعداد ۲۱۵۰ نفر بودند. به منظور تعیین حجم نمونه، از پیشنهاد استیونس^۳ (۱۹۹۴) استفاده شد. بر اساس دیدگاه استیونس (۱۹۹۴) در مدل‌یابی معادلات ساختاری، حجم نمونه می‌تواند بین ۵ تا ۱۵ فرد به ازای هر متغیر اندازه‌گیری شده، تعیین شود. با توجه به این ملاک، حجم نمونه ۴۵۰ نفر بود که به روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب گردیدند. ملاک‌های ورود به پژوهش عبارت بودند از: رضایت آگاهانه از شرکت در پژوهش و گذراندن حداقل یک ترم تحصیلی و عدم پاسخگویی به حداقل ۵ درصد از سؤالات و درخواست خروج از پژوهش حین پاسخگویی به پرسشنامه‌ها نیز ملاک خروج از پژوهش بودند. از جمله ملاحظات اخلاقی مورد توجه شامل اختیاری بودن و محرمانه نگه‌داشتن اطلاعات شرکت‌کنندگان بود. برای تحلیل داده‌ها از آزمون همبستگی پیرسون، تحلیل معادلات ساختاری و نرم‌افزارهای SPSS^{۲۵} و AMOS^{۲۴} استفاده شد.

ابزار سنجش

پرسشنامه تجربه غرقگی^۴ (FEQ): این پرسشنامه توسط جکسون و مارش^۵ (۱۹۹۵) ساخته شده و دارای ۳۶ سؤال بوده و هدف آن سنجش ۹ بُعد تجربه غرقگی (گذر زمان، تجربه خودانگیخته، فقدان خودآگاهی، حس کنترل، تمرکز روی کارها، بازخورد غیرمبهم، اهداف روشن، یکی شدن عمل و آگاهی، تعادل چالش/مهارت) است. پاسخ‌ها در این پرسشنامه بر اساس مقیاس ۵ درجه لیکرت، از هرگز (۱) تا همیشه (۵) محاسبه و فقط سؤال ۳۵ برعکس نمره‌گذاری می‌شود. حداقل نمره برای این مقیاس ۳۶ و حداکثر نمره ۱۸۰ است. افزایش امتیازات به مفهوم افزایش سطح تجارب بهینه است. جکسون و مارش (۱۹۹۵) برای به دست آوردن روایی سازه از رضایت شغلی و توصیف کلی تجربه بهینه استفاده کرده و آلفای کرونباخ پرسشنامه را در دامنه بین ۰/۸۰ تا ۰/۸۶ گزارش نموده‌اند (جکسون و مارش، ۱۹۹۵). این پرسشنامه توسط زارع و زاهدی (۱۳۹۲) ترجمه و اجرا شد. جهت تعیین روایی از روایی صوری و محتوایی استفاده شد و پایایی آن با ضریب آلفای کرونباخ برای کل مقیاس ۰/۸۷ و برای مولفه‌های تعادل چالش/مهارت ۰/۸۶، یکی شدن عمل و آگاهی ۰/۸۵،

1. Şahan & Aypya
2. Jackson
3. Stevens
4. Flow Questionnaire
5. Jackson & Marsh

اهداف واضح ۰/۸۵، بازخورد شفاف ۰/۸۳، تمرکز بر تکلیف ۰/۸۰، کنترل ۰/۸۴، فقدان خودآگاهی ۰/۸۶، گذر زمان ۰/۸۷ و تجربه خودانگیخته ۰/۸۶ به دست آمد (صادقکار حقیقی و زارع بهرام‌آبادی، ۱۳۹۵). پایایی پرسشنامه در پژوهش حاضر ۰/۸۸ بود.

پرسشنامه کنترل شناختی و انعطاف‌پذیری^۱ (CCFQ): این پرسشنامه توسط گبریز و همکاران (۲۰۱۸) برای ارزیابی توانایی فرد برای اعمال کنترل بر افکار و احساسات مزاحم و مقابله انعطاف‌پذیر با یک موقعیت استرس‌زا ایجاد شده است. مقیاس ۱۸ ماده‌ای آن دارای دو عامل «کنترل شناختی» (۹ ماده) و «انعطاف‌پذیری» (۹ ماده) است. گویه‌های پرسشنامه در طیف هفت‌درجه‌ای لیکرت از کاملاً مخالفم (۱) تا کاملاً موافقم (۷) نمره‌گذاری شده و حداقل نمره ۱۸ و حداکثر آن ۱۲۶ است. افزایش امتیازات به مفهوم افزایش سطح انعطاف‌پذیری و کنترل شناختی است. ضرایب آلفای کرونباخ برای دو عامل ۰/۹۰ و ۰/۹۳ گزارش شد (گبریز و همکاران، ۲۰۱۸). نسخه فارسی پرسشنامه فوق‌تایه‌حال در ایران مورد استفاده قرار نگرفته؛ لذا در این پژوهش این مقیاس به زبان فارسی استانداردسازی و هنجاریابی شد. به این منظور برای ترجمه آن از روش تطابق معنایی مقیاس استفاده شد. ترجمه نهایی توسط اساتید رشته روان‌شناسی از لحاظ ظاهری و محتوا بررسی شده و روایی صوری آن مورد تأیید قرار گرفت. نتایج تحلیل عاملی با چرخش پرومکس برای تعیین عامل‌های احتمالی نشان داد که عامل اول ۳۳/۱۷ درصد، عامل دوم ۱۷/۶۴ درصد و عامل سوم ۵/۸۹ درصد از واریانس موردنظر را تبیین می‌کنند. سه عامل در مجموع ۵۶/۷۱ درصد از واریانس کل را تبیین می‌کنند. پایایی پرسشنامه به روش آلفای کرونباخ برای کنترل بر هیجانات (۰/۸۸)، انعطاف‌پذیری (۰/۸۹) و مقابله (۰/۸۴) به دست آمد و پایایی پرسشنامه در پژوهش حاضر ۰/۷۹ بود.

پرسشنامه هدف پیشرفت^۲ (AGQ): این پرسشنامه ۲۴ گویه‌ای توسط الیوت و مک‌گریگور^۳ (۲۰۰۱) تهیه شده است که چهار جهت‌گیری هدف شامل تسلط-گرایشی، تسلط - اجتنابی، عملکرد - گرایشی و عملکرد - اجتنابی را مورد سنجش قرار می‌دهد. در این مقیاس برای هر جهت‌گیری ۶ گویه در نظر گرفته شده و گویه‌ها در ۵ گزینه از کاملاً مخالفم (۱) تا کاملاً موافقم (۵) نمره‌گذاری شده‌اند. جهت تعیین روایی این پرسشنامه از روش تحلیل عامل و همسانی درونی استفاده شد. پایایی آن به روش آلفای کرونباخ برای اهداف تسلط‌گرایشی (۰/۸۷)، تسلط اجتنابی (۰/۸۹)، عملکرد گرایشی (۰/۹۲) و عملکرد اجتنابی (۰/۸۳) گزارش گردیده است (الیوت و مک‌گریگور، ۲۰۰۱). نسخه فارسی این پرسشنامه توسط هاشمی و خیر (۱۳۸۷) ترجمه و اجرا شد. روایی آن از طریق تحلیل عامل و ضرایب آلفای کرونباخ برای کل مقیاس برابر با ۰/۷۷ و برای خرده مقیاس‌ها، اهداف تسلط - گرایشی (۰/۷۱)، تسلط - اجتنابی (۰/۷۶)، عملکرد - گرایشی (۰/۸۵) و عملکرد - اجتنابی (۰/۵۴) به دست آمد. ضریب آلفای کرونباخ در این پژوهش ۰/۸۷ بود.

مقیاس هوش معنوی دانشجویان: این پرسشنامه توسط خدایاری فرد و همکاران (۱۳۹۷) ساخته شده دارای ۳۹ گویه و زیر مقیاس‌ها آن (توانایی تولید معنای شخصی، تفکر انتقادی، درک و بسط حالات آگاهی، درک پدیده متعالی، فهم معنای امور دینی، حل مسائل با استفاده از منابع معنوی، سازگاری معنوی در روابط) بودند. گویه‌ها در مقیاس لیکرت ۶ درجه‌ای که از هرگز (۰) تا همیشه (۵) نمره‌گذاری شده‌اند. حداقل نمره ۳ و حداکثر آن ۱۹۳ است. افزایش امتیازات به مفهوم افزایش سطح هوش معنوی در افراد است. جهت تعیین روایی از روایی صوری و محتوایی استفاده شد و پایایی مقیاس بر اساس همسانی درونی گویه‌ها بین ۰/۷۳ تا ۰/۹۰ و پایایی کل مقیاس ۰/۹۴ و برای توانایی تولید معنای شخصی (۰/۷۳)، تفکر انتقادی (۰/۷۴)، درک و بسط حالات آگاهی (۰/۸۶)، درک پدیده متعالی (۰/۸۴)، فهم معنای امور دینی (۰/۹۰)، حل مسائل با استفاده از منابع معنوی (۰/۸۴)، سازگاری معنوی در روابط (۰/۷۵) بود (خدایاری فرد و همکاران، ۱۳۹۷). ضریب آلفای کرونباخ در این مطالعه ۰/۹۶ بود.

پرسشنامه پنج عاملی شخصیت نئو^۴ (NEO): این پرسشنامه توسط کاستا و مک‌کری^۵ (۱۹۹۲) ساخته شد؛ و پنج حوزه شخصیتی شامل روان‌رنجوری، برونگرایی، گشودگی، توافق‌پذیری و وظیفه‌شناسی را اندازه‌گیری می‌کند. این پرسشنامه از ۳۰ مقیاس وجهی و ۲۴۰ گویه ایجاد شده است. این گویه‌ها در مقیاس ۵ درجه‌ای لیکرت از کاملاً مخالف (۰) تا کاملاً موافق (۴) نمره‌گذاری می‌شوند. جهت بررسی اعتبار محتوایی این آزمون از همبستگی بین دو فرم گزارش شخصی و مشاهده‌گر استفاده شد. ضریب پایایی آن با آلفای کرونباخ برای نمرات مقیاس ۳۰ وجهی از ۰/۵۸ تا ۰/۸۵ بود (ژی و کوب^۶، ۲۰۲۰). این آزمون در سال ۱۳۷۸ توسط حق‌شناس ترجمه شد. جهت بررسی روایی محتوایی این آزمون از همبستگی بین دو فرم گزارش شخصی و فرم ارزیابی و ضریب پایایی آن با آلفای کرونباخ

1. Cognitive Control and Flexibility Questionnaire
 2. Achievement Goal Questionnaire
 3. Elliot & McGregor
 4. NEO PI-R Questioner
 5. Costa and McCrae
 6. Xie & Cobb

برای روان رنجوری (۰/۹۲)، برونگرایی (۰/۸۹)، گشودگی (۰/۸۷)، توافق‌پذیری (۰/۸۶) و وجدانی بودن (۰/۹۰) به دست آمد (حق شناس، ۱۴۰۱). در پژوهش حاضر از ۴۸ ماده این پرسشنامه که مربوط به ویژگی وجدانی بودن با مؤلفه‌های (کفایت، نظم و ترتیب، وظیفه‌شناسی، تلاش برای موفقیت، خویشتن‌داری، احتیاط در تصمیم‌گیری) هست، استفاده شد. حداقل نمره برای این مقیاس ۱ و حداکثر نمره ۱۷۹ است. افزایش امتیازات به مفهوم افزایش سطح وجدانی بودن در افراد است. و ضریب کل آلفای کرونباخ نیز در پژوهش حاضر ۰/۹۰ بود.

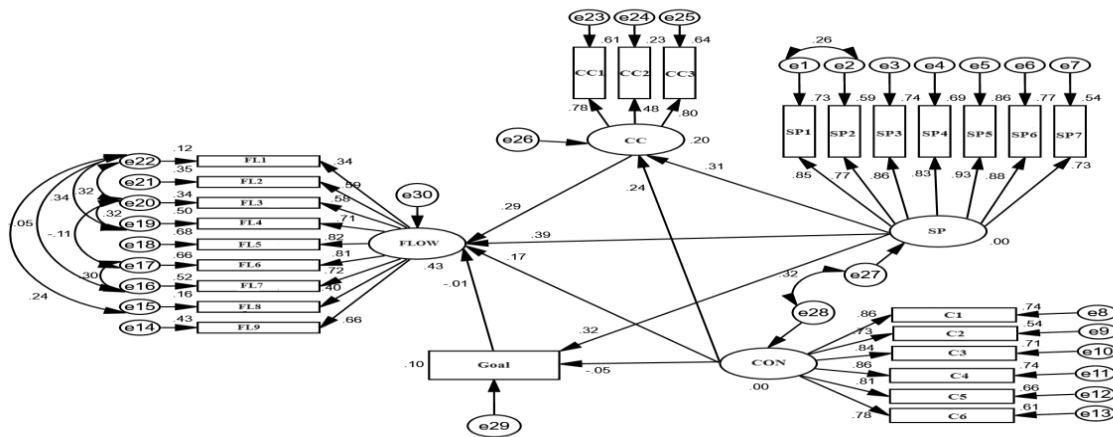
یافته‌ها

نمونه‌های پژوهش حاضر، شامل ۴۱۵ نفر بود که از این تعداد ۱۹۷ نفر (۴۷/۵ درصد) پسر و ۲۱۸ نفر (۵۲/۵ درصد) دختر بودند. رشته تحصیلی ۴۵/۸ درصد از دانشجویان آموزش ابتدایی، ۱۸/۳ درصد آموزش کودکان استثنایی، ۱۷/۱ درصد مشاوره، ۸/۷ درصد علوم تجربی، ۵/۵ درصد ادبیات فارسی و ۴/۶ درصد علوم اجتماعی بود. همچنین میانگین سنی شرکت‌کنندگان ۲۱/۰۶ و انحراف آن ۱/۴۳ بود. در جدول ۱ شاخص‌های توصیفی به همراه ضرایب همبستگی متغیرها با استفاده از آزمون همبستگی پیرسون ارائه شده است.

جدول ۱: نتایج شاخص‌های توصیفی و آزمون همبستگی پیرسون جهت بررسی رابطه متغیرها

شماره	متغیر	۱	۲	۳	۴	۵
۱	تجربه غرقگی					
۲	هوش معنوی	۰/۴۹**				
۳	وجدانی بودن	۰/۳۰**	۰/۲۹**			
۴	کنترل شناختی	۰/۲۱**	۰/۲۶**	۰/۱۳**		
۵	جهت‌گیری هدف	۰/۱۳**	۰/۳۱**	۰/۴۱**	۰/۲۸**	
	میانگین	۹۸/۴۴	۱۲۸/۱۲	۱۰۶/۲۵	۹۱/۰۸	۷۹/۰۳
	انحراف معیار	۱۲/۱۶	۳۸/۹۲	۲۲/۶۲	۱۲/۰۷	۱۳/۸۷
	ضریب کجی	-۰/۰۶	-۰/۷۱	-۰/۲۴	۰/۱۹	۰/۱۲
	ضریب کشیدگی	۱/۲۵	۰/۰۹	۰/۴۵	۰/۲۴	۰/۰۲

طبق نتایج جدول ۱، بین هوش معنوی با کنترل شناختی ($P < ۰/۰۱$ ، $۰/۲۱$) و جهت‌گیری هدف ($P < ۰/۰۱$ ، $۰/۱۳$) رابطه مثبت مستقیم وجود دارد. همچنین بین وجدانی بودن با کنترل شناختی ($P < ۰/۰۱$ ، $۰/۱۳$) و جهت‌گیری هدف ($P < ۰/۰۱$ ، $۰/۱۴$) رابطه مثبت مستقیم وجود دارد. از سویی بین هوش معنوی و تجربه غرقگی ($P < ۰/۰۱$ ، $۰/۴۹$) و وجدانی بودن و تجربه غرقگی ($P < ۰/۰۱$ ، $۰/۳۰$) نیز رابطه مثبت مستقیم دارد ($P < ۰/۰۱$ ، $۰/۲۱$). بین کنترل شناختی و غرقگی ($P < ۰/۰۱$ ، $۰/۲۱$) رابطه مثبت مستقیم است. بین جهت‌گیری هدف و تجربه غرقگی ($P < ۰/۰۱$ ، $۰/۱۳$) نیز رابطه مثبت مستقیم وجود دارد. همچنین با توجه به اینکه کشیدگی و چولگی به‌دست‌آمده برای متغیرهای پژوهش در جدول ۱ همگی در محدوده $+۲$ تا -۲ قرار دارند، بنابراین شکل توزیع متغیرها در شرایط نسبتاً نرمالی قرار دارند. افزون بر مقادیر گزارش‌شده در جدول ۱، مقادیر آماره تحمل برای متغیرها بیشتر از $۰/۴۰$ و همچنین مقادیر آماره VIF کم‌تر از ۱۰ بود، بنابراین هم خطی میان متغیرهای پیش‌بین پژوهش مطلوب بود. در شکل ۱ مدل برازش شده پژوهش ارائه شده است.



شکل ۱. پارامترهای استاندارد در مدل ساختاری پژوهش

بی‌نوشت ۱: Flow = تجربه غرقگی، FL1 = دگرگونی زمان، FL2 = تجربه خودانگیخته، FL3 = ازدست‌دادن خودآگاهی، FL4 = حس کنترل، FL5 = تمرکز روی کارها، FL6 = بازخورد مبهم، FL7 = اهداف روشن، FL8 = یکی‌شدن عمل و آگاهی، FL9 = تعادل چالش / مهارت، Goal = جهت‌گیری هدف، CC = کنترل شناختی، CC1 = کنترل بر هیجان، CC2 = انعطاف‌پذیری، CC3 = مقابله، SP = هوش معنوی، SP1 = تولید معنا، SP2 = تفکر انتقادی، SP3 = درک و بسط حالات، SP4 = درک پدیده متعالی، SP5 = فهم معنا، SP6 = حل مسائل، SP7 = سازگاری معنوی، CON = وجدانی بودن، C1، کفایت، C2 = نظم و ترتیب، C3 = وظیفه‌شناسی، C4 = تلاش برای موفقیت، C5 = خویشتن‌داری، C6 = احتیاط در تصمیم‌گیری

در شکل ۱ مدل ساختاری پژوهش نشان می‌دهد که مجموع مجذور همبستگی‌های چندگانه (R^2) برای متغیر تجربه غرقگی ۰/۴۳ به دست آمد، این موضوع بیانگر آن است که هوش معنوی، کنترل شناختی، وجدانی بودن، جهت‌گیری هدف در مجموع ۴۳ درصد از واریانس تجربه غرقگی را در دانشجویان تبیین می‌کند. در جدول ۲ معناداری ضریب مسیرهای مستقیم مدل پژوهش ارائه شده است.

جدول ۲. نتایج اثرات مستقیم مدل پژوهش

مسیر	اندازه اثر غیراستاندارد	اندازه اثر استاندارد	حد پایین	حد بالا	مقدار تی	p
اثر مستقیم هوش معنوی بر تجربه غرقگی	۰/۱۳	۰/۳۸	۰/۲۸	۰/۴۸	۶/۷۰	۰/۰۰۱
اثر مستقیم وجدانی بودن بر تجربه غرقگی	۰/۰۵	۰/۱۷	۰/۰۸	۰/۲۶	۳/۴۷	۰/۰۰۱
اثر مستقیم جهت‌گیری هدف بر تجربه غرقگی	-۰/۰۰۱	-۰/۰۱	-۰/۰۹	۰/۰۷	-۰/۲۶	۰/۸
اثر مستقیم کنترل شناختی بر تجربه غرقگی	۰/۰۷	۰/۳۰	۰/۱۹	۰/۳۹	۴/۹۳	۰/۰۰۱
اثر مستقیم هوش معنوی بر کنترل شناختی	۰/۴۰	۰/۳۱	۰/۲۱	۰/۴۱	۵/۳۵	۰/۰۰۱
اثر مستقیم وجدانی بودن بر کنترل شناختی	۰/۲۶	۰/۲۴	۰/۱۴	۰/۳۴	۴/۰۹	۰/۰۰۱
اثر مستقیم هوش معنوی بر جهت‌گیری هدف	۱/۲۷	۰/۳۲	۰/۲۲	۰/۴۲	۶/۲۱	۰/۰۰۱
اثر مستقیم وجدانی بودن بر جهت‌گیری هدف	-۰/۱۸	-۰/۰۵	-۰/۱۴	۰/۰۵	-۱/۰۱	۰/۳۱

نتایج جدول ۲ نشان می‌دهد که اثر مستقیم هوش معنوی ($\beta = ۰/۳۸, P = ۰/۰۰۱$)، وجدانی بودن ($\beta = ۰/۳۸, P = ۰/۰۰۱$)، کنترل شناختی ($\beta = ۰/۳۰, P = ۰/۰۰۱$) بر تجربه غرقگی و همچنین اثر مستقیم هوش معنوی ($\beta = ۰/۳۱, P = ۰/۰۰۱$)، وجدانی بودن ($\beta = ۰/۳۱, P = ۰/۰۰۱$) بر کنترل شناختی و اثر مستقیم هوش معنوی ($\beta = ۰/۳۲, P = ۰/۰۰۱$) بر جهت‌گیری هدف معنادار است. ولی اثر مستقیم جهت‌گیری هدف ($\beta = -۰/۰۱, P = ۰/۰۸$)، بر تجربه غرقگی و وجدانی بودن ($\beta = -۰/۰۵, P = ۰/۰۸$) بر جهت‌گیری هدف معنادار نیست. برای تعیین اثر غیرمستقیم از آزمون میانجی‌گری بوت استرپ استفاده شد که نتایج آن در جدول ۳ نشان داده شده است.

نقش میانجی کنترل شناختی و جهت‌گیری هدف در رابطه بین هوش معنوی و وجدانی بودن با تجربه عرفی
The mediating role of cognitive control and goal orientation in the relationship between spiritual intelligence and ...

جدول ۳. نتایج مسیرهای غیرمستقیم بین متغیرهای پژوهش

مسیر	داده	بوت	سوگیری	خطا	حد پایین	حد بالا	P
هوش معنوی - کنترل شناختی - تجربه عرفی	۰/۰۲۳۱	۰/۰۲۳۲	۰/۰۰۰۱	۰/۰۰۵۷	۰/۰۱۳۷	۰/۰۳۶۱	۰/۰۰۱
هوش معنوی - جهت‌گیری هدف - تجربه عرفی	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱۱	۰/۰۰۰۱	۰/۰۰۴۹	-۰/۰۰۸۲	۰/۰۱۱۷	۰/۸۲۳
وجدانی بودن - کنترل شناختی - تجربه عرفی	۰/۰۵۲۰	۰/۰۵۲۴	۰/۰۰۰۴	۰/۰۱۲۳	۰/۰۳۱۳	۰/۰۷۸۹	۰/۰۰۱
وجدانی بودن - جهت‌گیری هدف - تجربه عرفی	۰/۰۰۲۹	۰/۰۰۰۳	۰/۰۰۰۱	۰/۰۰۴۲	-۰/۰۰۳۲	۰/۰۱۴۲	۰/۴۲۳

همان‌طور که در جدول ۳ مشاهده می‌شود، حد پایین فاصله اطمینان برای کنترل شناختی، به‌عنوان متغیر میانجی بین هوش معنوی و تجربه عرفی (۰/۰۱۳۷) و حد بالای آن (۰/۰۳۶۱) است. سطح اطمینان برای این فاصله اطمینان ۹۵٪ و تعداد نمونه‌گیری مجدد بوت استرپ ۵۰۰۰ است. با توجه به این که صفر بیرون از این فاصله اطمینان قرار می‌گیرد، رابطه غیرمستقیم بین متغیرها معنادار هست (۰/۰۰۱). همچنین حد بالا فاصله اطمینان (۰/۰۷۹۸) و پایین (۰/۰۳۱۳) رابطه غیرمستقیم وجدانی بودن به تجربه عرفی از طریق کنترل شناختی، صفر را در بر نمی‌گیرد که نشان‌دهنده معناداری این مسیر غیرمستقیم در کل نمونه است (P= ۰/۰۰۱). حد پایین فاصله اطمینان (۰/۰۰۸۲) و بالا (۰/۰۱۱۷) رابطه غیرمستقیم هوش معنوی به تجربه عرفی از طریق جهت‌گیری هدف، و حد پایین فاصله اطمینان (-۰/۰۰۳۲) و بالا (۰/۰۱۴۲) رابطه غیرمستقیم وجدانی بودن به تجربه عرفی از طریق جهت‌گیری هدف، صفر را در بر نمی‌گیرد که نشان می‌دهد این مسیرهای غیرمستقیم در کل نمونه معنادار نیست (P> ۰/۰۵).

جدول ۴. شاخص‌های برازش کلی مدل اندازه‌گیری

شاخص	χ^2/df	IFI	NFI	CFI	GFI	AGFI	RMSEA
ملاک برازش	≥ 3	$\leq 0/90$	$\leq 0/90$	$\leq 0/90$	$\leq 0/90$	$\leq 0/90$	$\geq 0/10$
آماره پژوهش حاضر	۲/۶۴	۰/۹۳	۰/۸۹	۰/۹۳	۰/۸۲	۰/۸۵	۰/۰۶

برای برازندگی مدل هر مقدار شاخص برازندگی تقسیم X^2 بر درجه آزادی کوچک‌تر از ۳ باشد، برازندگی مدل بهتر است. مقدار به‌دست‌آمده در پژوهش حاضر ۲/۶۴ بود که حاکی از برازش تقریبی مدل بود. همچنین به‌طور کلی هر چه مقدار GFI ، CFI ، NFI ، IFI و $AGFI$ به یک نزدیک‌تر باشد و برابر و یا بالاتر از ۰/۹ باشد، حاکی از برازش مطلوب مدل دارد. با توجه به اینکه مقادیر به‌دست‌آمده برای سه شاخص نزدیک یا بالاتر از ۰/۹۰ بوده، بنابراین بر اساس این شاخص‌ها مدل پژوهش برازش مطلوبی دارد. برای شاخص $RSEA$ نیز مقدار مساوی یا کوچک‌تر از ۰/۱۰ بیانگر برازش بسیار مطلوب است که برای مدل پژوهش حاضر برابر با ۰/۰۶ بود. به‌طور کلی نتایج جدول ۴ نشان می‌دهد که مقدار به‌دست‌آمده برای شاخص‌های برازش در سطح مطلوبی قرار دارند.

بحث و نتیجه‌گیری

هدف پژوهش حاضر بررسی نقش میانجی کنترل شناختی و جهت‌گیری هدف در رابطه هوش معنوی و وجدانی بودن با تجربه عرفی بود. یافته‌های پژوهش حاضر نشان داد که هوش معنوی بر تجربه عرفی اثر مستقیم معنادار دارد. این یافته‌ها با نتایج به‌دست‌آمده از پژوهش‌های عبدالرضا پور (۱۴۰۰) و المطیری (۲۰۲۲) همسو بود. در تبیین این نتایج می‌توان بیان کرد که هوش معنوی یک استعداد ذاتی برای افراد است و از طریق آن می‌توانیم به ابعاد درونی خودآگاهی یافته، همچنین به ما توانایی نظم بخشیدن به فعالیت‌ها را داده و کمک می‌کند تا با استفاده از ارزش‌ها، باورها و ابزارهای روحانی به حل مشکلات زندگی روزمره بپردازیم (پیرس و ویلیامز، ۲۰۲۱). در مجموع افراد باهوش معنوی رشد یافته انعطاف‌پذیری بالایی داشته، خودآگاه بوده و توانایی ایجاد فرصت در هنگام برخورد با دشواری‌های زندگی را دارند. آن‌ها قدرت مقابله با سختی‌ها و دردهای زندگی را داشته و از تجربیات و شکست‌های زندگی درس می‌گیرند (ویلگس ورت، ۲۰۱۴). در نتیجه این دسته از افراد با داشتن ویژگی‌های بارزی از عرفی مستعد حرکت به سمت آن هستند.

همچنین نتایج نشان داد که وجدانی بودن بر تجربه غرقگی اثر مستقیم معنادار دارد. این نتایج هم‌راستا با یافته‌های مارتی دوگاس و اسمیلک (۲۰۱۹)، کندی (۲۰۱۹)، آنالاکشمی و همکاران (۲۰۲۰) بود. افرادی که امتیاز بالایی در وظیفه‌شناسی دارند به سخت‌کوشی، سخت کار کردن و برنامه‌ریزی برای آینده تمایل دارند (دی یانگ^۱، ۲۰۱۵). آن‌ها اغلب افرادی مصمم و سازمان دهنده توصیف شده‌اند (مک منوس، ۲۰۲۲). میهای (۱۴۰۱) نیز بیان می‌کند که افراد با وجدان تمایل به موفقیت دارند و این باعث می‌شود که آن‌ها بیشتر به دنبال فعالیت‌های چالش‌برانگیز باشند. درحالی‌که این شرایط برای افرادی با سطح پایینی از وظیفه‌شناسی متفاوت است. از نظر کاستا (۱۹۹۲) این افراد نیاز نسبتاً کمی به موفقیت دارند معمولاً فاقد نظم و انضباط هستند و تمایل دارند که لذت را مقدم بر تجارب قرار دهند. ارزیابان چنین افرادی را نسبتاً غیرقابل اعتماد، حواس‌پرت توصیف می‌کرده‌اند. که در تناقض کامل با شرایط کسب غرقگی است.

یافته پژوهش نشان داد که هوش معنوی با میانجی‌گری کنترل شناختی بر تجربه غرقگی اثر غیرمستقیم دارد؛ پژوهشی که نتایج آن با یافته‌های پژوهش حاضر در این فرضیه همسو یا ناهمسو باشد، یافت نشد؛ لذا امکان مقایسه نتایج این پژوهش با سایر پژوهش‌ها وجود ندارد. اما با توجه به نتایج پژوهش ستین^۲ (۲۰۱۴) که حاکی از رابطه مثبت بین هوش معنوی و خودکنترلی است و نتایج پژوهش‌های واینتروب و همکاران (۲۰۲۳)، مارتی دوگاس و اسمیت (۲۰۱۹) مبنی بر رابطه کنترل شناختی با تجربه غرقگی به نظر می‌رسد، احتمالاً کنترل شناختی با توجه به ویژگی‌های منحصر به فرد خود مانند تسهیل رفتارهای هدفمند و تنظیم هیجانات، مانع‌شدن از ورود اطلاعات نامربوط به حافظه کاری (گبریز و همکاران، ۲۰۱۸) و هدایت هدفمند افکار و رفتار (گراتون^۳، ۲۰۱۸) عامل مؤثری برای عملکرد موفق افراد است. و اگر این توانایی در اختیار افراد باهوش معنوی بالا که صاحب‌نظران ویژگی اصلی آن را خودآگاهی عمیق می‌دانند، قرار گیرد به آن‌ها در تسلط یافتن بر مهارت تغییر آگاهی برای رسیدن به یک وضعیت بهینه و افزایش هوشیاری به‌منظور حل مسائل مهم زندگی کمک شایانی خواهد کرد. زیرا عمیق شدن در تجربه‌های بیرونی به‌واسطه تمرکز و توجه، به افراد کمک می‌کند تا توجه خود را به سمت تکلیف در دست انجام هدایت کنند و برای رسیدن به هدف با تلاش و پشتکار و صبوری عملکرد خود را بهبود بخشند.

درنهایت آخرین یافته این پژوهش نشان داد که وجدانی بودن با میانجی‌گری کنترل شناختی بر تجربه غرقگی اثر غیرمستقیم دارد؛ پژوهشی که نتایج آن با یافته‌های پژوهش حاضر در این فرضیه همسو یا ناهم‌سو باشد یافت نشد. لذا امکان مقایسه نتایج این پژوهش با سایر پژوهش‌ها وجود ندارد. اما با توجه به نتایج پژوهش‌های واینتروب و همکاران (۲۰۲۳)، مارتی دوگاس و اسمیت (۲۰۱۹) مبنی بر رابطه کنترل شناختی با تجربه غرقگی و همچنین حسینی و همکاران (۱۳۹۵) و عزیزی قلیچی و صالحی (۱۴۰۰) که در پژوهش‌های خود نشان دادند که بین کارکردهای اجرایی (مهارت شناختی) و ویژگی‌های شخصیتی از جمله وجدانی بودن ارتباط مثبت و معنی‌داری وجود دارد. به نظر می‌رسد که اگر وظیفه‌شناسی به‌عنوان ویژگی افرادی که در زندگی هدفمند و سازمان‌یافته بوده و قادرند تا تکانه‌های خود را کنترل نموده و از هنجارها و ارزش‌های پذیرفته‌شده اجتماعی پیروی کنند (لین^۴ و همکاران، ۲۰۲۳)؛ در کنار توانایی انتخاب اطلاعات مرتبط با زمینه برای اتخاذ و نظارت بر تصمیمات هدف محور و انعطاف‌پذیر قرار گیرد به افراد کمک می‌کند تا به یک حالت ذهنی منظم دست‌یافته و به سمت تجربه غرقگی حرکت کنند. تجربه‌ای که برای افراد ذاتاً ارزشمند است و پس‌از آن ممکن است افراد احساس لذتی بزرگ را کسب کنند.

به‌طور کلی می‌توان بیان کرد که تجربه غرقگی لذتی ذهنی است که باید با افزایش توانمندی‌های افراد برای تقابل با چالش‌ها در زمینه‌های مختلف زندگی حاصل شود؛ لذا افرادی با ویژگی‌های شخصی نظیر هوش معنوی بالا و وظیفه‌شناسی می‌توانند به ابعاد درونی خودآگاهی بیشتری پیدا کرده و در رویارویی با مسائل زندگی از توانایی بیشتری در نظم بخشیدن و هدفمند کردن فعالیت‌های خود برخوردار شده، و درعین حال سخت‌کوش و تمایل به موفقیت داشته باشند، می‌توانند به‌واسطه کنترل بر منابع شناختی از توانایی بیشتری در کنترل محرک‌های بیرونی و مزاحم برخوردار شده و در نتیجه احتمالاً تعداد دفعاتی را که غرقگی را تجربه می‌کنند افزایش خواهد داد.

در مجموع نتایج به‌دست‌آمده نشان داد که هوش معنوی و وجدانی بودن اثر مستقیم معناداری بر تجربه غرقگی دارند. علاوه بر این کنترل شناختی میانجی رابطه میان هوش معنوی و وجدانی بودن و غرقگی است. بر همین اساس این یافته حاکی از اهمیت و نقش هوش معنوی، وجدانی بودن و کنترل شناختی در غرقگی بوده و عملکردهایی مانند فرایندهای کنترل شناختی می‌توانند شرایط را برای رشد و

1. DeYoung
 2. Sathien
 3. Gratton
 4. Lin

توسعه فردی و افزایش خلاقیت و بهره‌وری مهیا کنند. دستیابی به غرقگی اتفاقی نیست و رسیدن به آن با شادی، لذت، نشاط، قدرت و افزایش تمرکز و انگیزه همراه است و می‌تواند در دانشجویان راه‌گشای علایق درونی آن‌ها در انتخاب شغل و حرفه نیز باشد. از محدودیت‌های پژوهش حاضر می‌توان به محدود بودن جامعه آماری اشاره کرد. جامعه آماری پژوهش حاضر محدود به دانشجویان دختر و پسر دانشگاه فرهنگیان استان گیلان بود، بنابراین، در تعمیم نتایج به دیگر نمونه‌ها باید با احتیاط عمل کرد. داده‌های پژوهش حاضر با استفاده از ابزارهای خودسنجی پرسشنامه به‌دست‌آمده است؛ از این‌رو امکان دارد سوگیری جواب‌های آزمودنی‌ها در پاسخ به سؤالات پرسشنامه بر نتایج پژوهش اثرگذار باشد و در انتها چون پژوهش حاضر از نوع همبستگی است، روابط به‌دست‌آمده را نمی‌توان به‌صورت علی تفسیر کرد. در تبیین تجربه غرقگی عوامل متعددی می‌توانند دخیل باشند که پژوهش حاضر تنها بخشی از آن‌ها را مورد توجه قرار داد. پیشنهاد می‌شود برآزندگی این مدل در دیگر نمونه‌ها مورد آزمون قرار گرفته تا شواهدی از بسط‌یافته‌ها فراهم گردد. همچنین با توجه مدل ارائه‌شده در پژوهش حاضر، پیشنهاد می‌گردد تا از مدل‌های مقایسه‌ای برای بررسی روابط بین متغیرها بر اساس جنسیت استفاده شود.

منابع

- چیک سنت میهای، م. (۱۴۰۱). غرقگی: فرایند درگیری انسان با زندگی برای به‌دست‌آوردن شادکامی. ترجمه زهرا قربانی، تهران: رشد.
- حق‌شناس، ح. (۱۴۰۱). طرح پنج عاملی شخصیت شناسی: نظریه، آزمون‌ها و کاربردهای بالینی و مشاوره‌ای. تهران: روان‌سنجی.
- خدایاری فرد، م.، خرمی مارکانی، ع.، غباری بناب، ب.، سهرابی، ف. (۱۳۹۵). طراحی و تعیین روایی محتوایی و صوری مقیاس هوش معنوی. پژوهش‌های کاربردی روان‌شناختی (روانشناسی و علوم تربیتی)، ۷(۴)، ۳۹-۴۹. <http://doi.org/10.22059/japr.2017.61079>
- خنیفر، ح.، ابراهیمی، ص.، الماسی زاده، س.، اصفهانی زاده، امین. (۱۴۰۲). نقش میانجی اهداف پیشرفت در ارتباط بین نیازهای روان‌شناختی اساسی و درگیری تحصیلی. مطالعات آموزشی و آموزشگاهی، ۱۲(۱)، ۱۸۵-۲۰۶. <http://doi.org/20.1001.1.2423494.1402.12.1.8.7>
- صادق‌کار حقیقی، ا.، زارع بهرام‌آبادی، م. (۱۳۹۵). بررسی رابطه بین بلوغ حرفه‌ای و انگیزش شغلی با غرقگی در کارکنان ستاد وزارت بهداشت. دوفصلنامه تحقیقات روان‌شناختی، ۲۹، ۵۱-۶۰. <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1859927>
- صالحی، ه.، قمرانی، ا.، عرب، ح.، و گل‌کاری، ط. (۱۳۹۲). بررسی کار آیی جهت‌گیری مذهبی در پیش‌بینی شیفتگی دانشجویان تربیت‌بدنی. دوفصلنامه پژوهش در مدیریت ورزشی و رفتار حرکتی، ۶(۲۲)، ۴۷-۶۰. <http://jrsm.khu.ac.ir/article-1-1808-en.html>
- عبدالرضا پور، پ. (۱۴۰۰). رابطه بین هوش معنوی فراگیران زبان انگلیسی و غرقگی درک شده آن‌ها در کلاس‌های آنلاین در طول COVID-19. نخستین همایش ملی دستاوردهای نوین در آموزش، ادبیات، و مترجمی زبان انگلیسی، ۱-۱۰. <https://civilica.com/doc/1270132>
- هاشمی، ز. و خیر، م. (۱۳۸۷). بررسی رابطه ابعاد فراشناخت عاطفی و جهت‌گیری هدف. پژوهش‌های نوین روانشناختی (روانشناسی دانشگاه تبریز)، ۱۱(۳)، ۱۲۳-۱۴۶. <https://sid.ir/paper/120388/fa>
- Abuhamdeh, S. (2020). Investigating the "Flow" Experience: Key Conceptual and Operational Issues. *Frontiers in Psychology, 11*(February), 1-13. <https://doi.org/10.3389/fpsyg.2020.00158>
- Annalakshmi, N., Kappan, E., & Vidya, B. (2020). Personality predictors of flow. *Article in Indian Journal of Positive Psychology, 11*(3), 218-226. <http://www.researchgate.net/publication/349277477>
- Bočková, K., Porubčanová, D., Hasajová, L., & Zelina, M. (2024). Comparison of flow experiencing in elite tennis players and certified project managers: *Environment and Social Psychology, 9*(5), 1-12. <https://doi.org/10.54517/esp.v9i5.2159>
- Bognar, M., Szekely, Z., Varga, M. A., Nagy, K., Gyurkovics, M., & Aczel, B. (2024). Cognitive control adjustments are dependent on the level of conflict. *Scientific Reports, 14*(1), 3116. <https://doi.org/10.1038/s41598-024-53090-4>
- Butera, F., Dompnier, B., & Darnon, C. (2024). Achievement Goals: A Social Influence Cycle. *Annual Review of Psychology, 75*(1). <https://doi.org/10.1146/annurev-psych-013123-102139>
- Costa, P., & McCrae, R. (1992). Revised NEO Personality Inventory (NEO PI-R) and NEO Five-Factor Inventory (NEO-FFI) Professional Manual. Odessa, FL: Psychological Assessment Resources.
- Dacka, M., & Ryzd, E. (2023). Early Adulthood in Poland : Research Reports. *Religions, 14*(78), 1-16. <https://doi.org/10.3390/rel14010078>
- Demerouti, E. (2006). Job characteristics, flow, and performance: The moderating role of conscientiousness. *Journal of Occupational Health Psychology, 11*(3), 266-280. <https://doi.org/10.1037/1076-8998.11.3.266>
- DeYoung, C. G. (2015). Cybernetic Big Five Theory. *Journal of Research in Personality, 56*, 33-58. <https://doi.org/10.1016/j.jrp.2014.07.004>
- Egner, T. (2023). Principles of cognitive control over task focus and task switching. *Nat Rev Psychol, 2*, 702-714. <https://doi.org/10.1038/s44159-023-00234-4>
- Elliot, A. J., & McGregor, H. A. (2001). A 2 × 2 achievement goal framework. *Journal of Personality and Social Psychology, 80*(3), 501-519. <https://doi.org/10.1037/0022-3514.80.3.501>

- El Metiri, B. M. N. (2022). Spiritual Intelligence and its Relationship with Psychological Flow for A Sample of Special Needs Teachers. *Scientific Research in Education*, 23(8), 126–156. https://doi:10.21608/JSRE_2022.167505.1516
- Gabrys, R. L., Tabri, N., Anisman, (2018). Cognitive control and flexibility in the context of stress and depressive symptoms. *Frontiers in Psychology*, 9(NOV), 1–19. <https://doi.org/10.3389/fpsyg.2018.02219>
- Gold, J., & Ciorciari, J. (2020). A review on the role of the neuroscience of flow states in the modern world. *Behavioral Sciences*, 10(9). <https://doi.org/10.3390/bs10090137>
- Hohnemann, C., Schweig, S., Diestel, S., & Peifer, C. (2022). How feedback shapes flow experience in cognitive tasks. *Personality and Individual Differences*, 184(August 2021), 111166. <https://doi.org/10.1016/j.paid.2021.111166>
- Jackson, S. A., Ford, S. K., Kimiecik, J. C., & Marsh, H. W. (1998). Psychological correlates of flow in sport. *Journal of Sport and Exercise Psychology*, 20(4), 358–378. <https://doi.org/10.1123/jsep.20.4.358>
- Jackson SA, Marsh HW. (1995). Development and validation of a scale to measure optimal experience: The Flow State Scale. *Journal of Sport & Exercise Psychology*, 18, 17-35. <https://doi.org/10.1123/jsep.18.1.17>.
- Kennedy, J. W. (2019). the Relationship Between the Big Five Personality Traits and Likelihood of Experiencing Flow. In *Tesis. A Thesis Presented to the Faculty of California State University, Stanislaus*.
- Lin, H., Rand, D. G. (2023). Conscientiousness does not moderate the association between political ideology and susceptibility. *Experimental Psychology: 152*(11), 3277 – 3284. <https://doi.org/10.1037/xge0001467>
- Marty-Dugas, J., & Smilek, D. (2019). Deep, effortless concentration: re-examining the flow concept and exploring relations with inattention, absorption. *Psychological Research*, 83(8), 1760–1777. <https://doi.org/10.107/s046-08-101-6>
- Oliveira, W., Hamari, J., Ferreira, W., Toda, A. M. (2024). The effects of gender stereotype-based interfaces on users' flow experience and performance. *Computers in Education*, 11(1), 95–120. <https://doi.org/10.1007/s40692-022-00249-5>
- Pandey, J. (2023). Spiritual Intelligence: Meaning and Components. *Educational Metamorphosis*, 2(1), 52–58. <https://doi.org/10.1123/jsep.20.4.358>
- Pearce, J., & Williams, A. (2021). *Exploring Spiritual Intelligence : Are there Implications for classroom practice? Revealing Jesus in the Learning Environment : Evidence & Impact*. Avondale Academic Press.
- Şahan, M. N., & Aypya, A. (2021). The Profound Difference Concerning Flow in Achievement Orientations for High School Students. *Journal of Social Sciences*, 22(1), 305–318. <https://doi.org/10.17494/ogusbd.952848>
- Šimleša, M., Guegan, J., Blanchard, E., & Buisine, S. (2018). The flow engine framework: A cognitive model of optimal human experience. *Europe's Journal of Psychology*, 14(1), 232–253. <https://doi.org/10.5964/ejop.v14i1.1370>
- Shepherd, J. (2023). Conscious cognitive effort in cognitive control. *Wiley Interdisciplinary Reviews: Cognitive Science*, 14(2), 1–13. <https://doi.org/10.1002/wcs.1629>
- Tse, D. C. K., Nakamura, J., & Csikszentmihalyi, M. (2022). Flow Experiences Across Adulthood: Preliminary Findings on the Continuity Hypothesis. *Journal of Happiness Studies*, 23(6), 2517–2540. <https://doi.org/10.1007/s1002-02-00514-5>
- Weintraub, J., Nolan, K. P., & Sachdev, A. R. (2023). The Cognitive Control Model of Work-related Flow. *Frontiers in Psychology*, 14(June 1964). <https://doi.org/10.3389/fpsyg.2023.1174152>
- Wigglesworth, C. (2014). *The twenty-one skills of spiritual intelligence*. SelectBooks.
- Wan, K., King, V., & Chan, K. (2021). Examining flow antecedents in game-based learning to promote self-regulated learning and acceptance. *Electronic Journal of E-Learning*, 19(6), 531–547. <https://doi.org/10.34190/ejel.19.6.2117>
- Xie, D., & Cobb, C. L. (2020). Revised NEO Personality Inventory (NEO- PI- R) Five Factor Model. *The Wiley Encyclopedia of Personality and Individual Differences*, II(2021), 335–350. <https://doi.org/10.1002/9719547167.ch127>

The mediating role of cognitive control and goal orientation in the relationship between spiritual intelligence and ...